

نگاه بیرون

چرا توافق نامه هسته‌ای تا اینجا به ایران قدرت بخشیده است



ترجمه: شهرام زرنردار

● در ماه جولای، هنگامی‌که توافق هسته‌ای با ایران اعلام شد، پزیدنت اوباما و مقامات دولت آمریکا در میان مفاد توافق‌نامه، فهرستی درباره شرایط برقراری رابطه‌ای کمتر خصمانه با تهران ارائه کردند؛ صدا البته برای دوران جدید همکاری بین ایران و غرب؛ اما تا اینجا این هدف به دست نیامده است. در این هفته ایالات متحده، فرانسه و قدرت‌های دیگر اروپایی، ایران را به خاطر آزمایش موشک بالستیک اخیرش، به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده‌اند. آنها مدعی‌اند این آزمایش موشکی در تضاد با قطع‌نامه شورای امنیت است و این موشک می‌تواند کلاهک هسته‌ای حمل کند. در هفته‌های اخیر، ایران حضور خود را در سوریه افزایش و توان خود را سامان داده است و در شُرف بازپس‌گیری سرزمین‌هایی است که در تصرف شورشیان وابسته به ایالات متحده و غرب، که علیه بشار اسد می‌جنگند، است. نشانه‌هایی از موضع سرسختانه ایران در برابر ایالات متحده و غرب در نامه چهارشنبه هفته گذشته آیت‌الله خامنه‌ای، خطاب به رئیس‌جمهوری ایران، حسن روحانی تجلی یافته است. رهبر جمهوری اسلامی هم‌زمان، هم توافق هسته‌ای را تأیید کرده و هم درباره اعتمادناپذیربودن ایالات متحده هشدار داده است. آیت‌الله خامنه‌ای در این نامه به آقای روحانی سفارش می‌کند که نیت ایالات متحده در رسیدن به توافق با ایران، به‌تدریس‌اندن اهداف خصمانه‌اش درباره جمهوری اسلامی است. «میشل ایزنشتات»، متخصص امور ایران و مدیر مطالعات نظامی و امنیتی در انستیتو سیاست‌های خاور نزدیک، در واشنگتن می‌گوید: «ایران به‌روشنی احساس می‌کند با اعضای توافق هسته‌ای، باری از دوشش برداشته شده است. ایرانی‌ها مشخصا حس اعتمادبندهنس بیشتری پیدا کرده‌اند و شاید احساس می‌کنند دستشان برای حرکت آزادتر همچنان‌که تحریم‌ها لغو می‌شوند، بازتر شده است». یکی از عواملی‌که می‌تواند به محدودیت نفوذ در حال گسترش منطقه‌ای ایران خاتمه دهد، دخالت تازه و تقویت‌کننده روسیه است. ایزنشتات می‌گوید ایرانی‌ها نقش مهمی در متقاعدکردن روسیه برای ورود به میدان دفاع از بشار اسد ایفا کرده‌اند و معتقد است روزی فرا خواهد رسید که منافع این دو از هم جدا خواهد شد و واگرایی نشان خواهد داد. او می‌گوید: «درحال‌حاضر آنها با هم خوب کار می‌کنند». دلیلت‌های غربی‌ای که با روس‌ها درباره مسائل سوریه در تماس هستند می‌گویند روس‌ها اصرار دارند آنها رهبری نیروها را در جنگ سوریه علیه تروریست‌ها برعهده دارند؛ اما حتی درصورتی‌که چنین چیزی صحت داشته باشد، برخی از نیروها مطمئن نیستند که این وضع تا کی ادامه خواهد داشت. ایزنشتات می‌گوید: «درحال‌حاضر ایرانی‌ها نفس راحتی می‌کشند؛ زیرا روس‌ها دخالت کرده‌اند و من هیچ تضادی بین آنها نمی‌بینم، اما این وضع به همین صورت ادامه نخواهد یافت».

خبر

اولین بیمارستان هسته‌ای کشور

● صبح دیروز «قالیپاف»، شهردار تهران، «هاشمی»، وزیر بهداشت و «صالحی»، رئیس سازمان انرژی اتمی، با امضای تفاهم‌نامه‌ای احداث اولین بیمارستان هسته‌ای کشور را رقم زدند. به گزارش ایستنا، این بیمارستان قرار است ۱۵ درصد از مساحت ۳۰۰هکتاری بوستان ولایت را به خود اختصاص دهد. استفاده از تجهیزات هسته‌ای، ارائه خدمات هسته‌ای، ارائه رادیوداروها و ارتقای استاندارد پروتدهی به بیمارستان‌های دیگر از مواردی است که در دستور کار این بیمارستان قرار دارد. هاشمی گفت: «میداریم توانایی به جهانبان نشان دهیم که برای مردم اخلاق‌مدار ایران بخش درمانی انرژی هسته‌ای موردتوجه است و نگاه مردم و رهبر به انرژی هسته‌ای، بخش درمانی و سایر بخش‌ها مثبت است». صالحی نیز در این مراسم گفت: «بیمارستان تخصصی هسته‌ای اولین بیمارستان درمانی، تشخیصی و تحقیقاتی است که با پرتو در ارتباط است و در یک مجموعه یکپارچه در بوستان ولایت ساخته خواهد شد. اگر ملتی اراده خود را روزی به کرسی بنشاند، دست تقدیر راهی جز همراهی با آن ملت ندارد. بعد از آنکه برجام به سرانجام رسید که در تاریخ زین کشور در آینده نقش خواهد بست و به‌زودی شاهد نتایج این حرکت مبارک خواهیم بود، از فرصت استفاده کردیم تا در فضای ایجادشده به‌همراه وزارت بهداشت و شهرداری تهران مقدمات ساخت بیمارستان بزرگ هسته‌ای در کشور را فراهم کنیم». شهردار تهران نیز در این مراسم با بیان اینکه از وزیر بهداشت و رئیس سازمان انرژی اتمی می‌خواهم به‌سرعت توافقات اجرایی‌شدن کار را انجام دهند، گفت: «امیدوارم بتوانیم در سال جاری برنامه قطعی ساخت این بیمارستان را تصویب کنیم و با همکاری خوب دولت و شهرداری کلنگ ساخت این بیمارستان زده و تابلو روزشمار آن روشن شود و آثار و برکت نام شهدا به‌ویژه شهدای هسته‌ای در این خدمت صادقانه دیده شود».

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌واسطه سال‌های حضورش در مناصب مهم حاکمیتی؛ از ریاست مجلس تا ریاست جمهوری و ریاست مجمع در جریان جزئیات بسیاری از امور نظام قرار دارد. از آن جمله می‌توان به آنچه در جریان بحث هسته‌ای در سال‌های بعد از انقلاب گذشته، اشاره کرد. آیت‌الله علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی در گفت‌وگو با سایت «امیدهستهای» به شرح آنچه در جریان دستیابی به صنعت هسته‌ای گذشته پرداخته است.

● رژیم گذشته توجه زیادی به مسائل هسته‌ای داشت. چون در تقسیم‌بندی‌های سیاسی بلوک شرق و غرب، جزء مجموعه غربی‌ها و با آنها همراه بود. غربی‌ها هم برای رژیم مخربدیتی قائل نبودند و دستشان خیلی باز بود. مخصوصا در سال‌های آخر که پول‌دار شدند، کارهای وسیعی را شروع کردند. قبل از آن ایران یک نیروگاه تحقیقاتی در امیرآباد تهران داشت که کارهای مختلف مثل لیزر، غنی‌سازی و چیزهای فرعی انجام می‌داد. در بوشهر هم آلمانی‌ها با حضور شرکت «ورک یونیون» برنامه دو نیروگاه را داشتند و هر دو را شروع کرده بودند که یکی جلوتر بود. نیروگاهی که قرار بود آلمانی‌ها بسازند، نوعی خاص با عنوان «نیروگاه آب تحت فشار» (PWR) بود که می‌خواستند دو واحد هزارو ۲۰۰ مگاواتی بسازند. فرانسوی‌ها در قالب شرکی به نام «فراتوم» در دارخوین مجموعه دیگری را شروع کرده بودند که پیشرفت‌های محدودی داشتند. برنامه‌ای هم برای اصفهان داشتند که ما بعدا آن را شروع کردیم. آقای‌علی‌اکبر اعتماد، از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ رئیس سازمان انرژی اتمی کشور بود. البته کارش را از سال ۱۳۴۲ به‌عنوان «مشاور فنی طرح پژوهش‌های راکتور اتمی» شروع کرده بود. به نظرم دست آنها کاملا باز بود و مشکلی هم جاایی نداشتند.

● وقتی جنگ شروع و بوشهر ناامن شد، همان مقدار فعالیت هم متوقف شد. انجام کار هسته‌ای درجایی‌که در تیرس دشمن بود، معنایی نداشت. عراقی‌ها هم در جاهایی داخل کشور آمده بودند. بعد به مراحمی رسیدیم که از آلمانی‌ها مایوس شدیم و به فکرهای دیگری افتادیم. با پاکستانی‌ها صحبت‌هایی شد... حاضر شدند تا یک مقدار به ما کمک کنند، در حدی که مثلا دست دوم نسل اول ساترنفیوزهایی را که غنی‌سازی می‌کنند، با نقشه مقداری به ما دادند؛ نقشه‌ای که بعدا خودمان توانیم بسازیم. کم‌کم شروع کردیم و بوشهر را ادامه دادیم.

● در همان شرایط دولت من شروع به کار کرد که جنگ تمام شده بود. نیروگاه با موشک عراقی‌ها آسیب‌دیده و گنبد آن سوراخ شده بود و امنیت نداشت. کار نیروگاه را جدی گرفتیم. بنا شد غنی‌سازی را شروع کنیم. برای اولین غنی‌سازی در جایی که در امیرآباد درست کردند، از همان چیزهایی که از پاکستان گرفته بودیم... منتها به تولید نرسید... همان اول معلوم شد که قضیه پیچیده‌تر از این چیزهاست که ما فکرش را می‌کردیم.

● در مسیر دماوند کارگاهی درست کردیم و به اولین آزمایش رسیده بودیم. این کارها بعد از جنگ و در دوره ریاست جمهوری من بود.

اولین آب سنگین درالموت

● در همان دوره گروهی پیدا شدند که سه نفر دکتر و متخصص هسته‌ای بودند. پیش ما آمدند. طرحی را برای آب سنگین درست کرده بودند و به‌عنوان مشاور به تأیید یک شرکت هسته‌ای روسی رسانده بودند و می‌خواستند اجازه داد شود تا همان طرح در ایران پیاده شود. آن‌موقع ما در الموت قزوین، غیر از جایی که حسن صباح بود، شاخه دیگری در کوه‌ها که مسیرش خیلی سخت بود، جاده‌ای ساختیم برای اینکه امنیت داشته باشد. با آن جاده به جای بن‌بستی در کوه‌ها رفتیم. می‌شد با چند فروند ضدهوایی از آنجا محافظت کرد و جای خوبی بود... بنا شد که در الموت آب سنگین را بسازیم و فرض هم بر این بود که تونل بزئیم و زیرکوه بسازیم که محفوظ باشد تا نتوانند آن را بزنند. این کار آسان بود.

● در زمان جنگ، مخصوصا وقتی عراق به بمباران مراکز تولید برق در ایران روی آورد، ما هم تصمیم گرفتیم برای تأمین برق در آینده و برای تولید آن در نیروگاه هسته‌ای اقدام کنیم و با استناد به خاطراتم می‌گویم که ۱۴ شهریور ۱۳۶۱ یک جلسه مشورتی با حضور رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر وقت داشتیم که تصمیم گرفتیم پیگیری کنیم تا یک واحد نیروگاه بوشهر راه بیفتد. آن سال‌ها ذهنیت همه ما این بود که ما باید خود را به عوامل بازدارنده مسلح کنیم. چون بنا نبود جنگ تمام شود و در سیاست‌های دفاعی هم این سخن امام‌راحل را مدنظر داشتیم‌که اگر این جنگ ۲۰ سال هم طول بکشد، برای فعالیت‌های هسته‌ای هم مشکلی با آژانس بین‌المللی نداشتیم.

● لزومی ندارد به طرف مسائل هسته‌ای نظامی برویم. نمی‌خواستیم بمب اتمی بسازیم، ولی با دانش آن‌که بومی شده بود، غربی‌ها می‌ترسیدند که امکانش را داشته باشیم.

یافتن اورانیوم

● ما اورانیوم نداشتیم. در زمان شاه کبیک زرد را از آفریقای جنوبی خریده و یک مقدارش را آورده بودند که من ۲۰۰ تن اضافه کردم و چیزی حدود ۷۰۰ تن را آوردم. در ساقند به‌دنبال معدن رفتیم که البته معدن کم‌ظرفیتی بود. چینی‌ها جاه‌های خیلی عمیق زدند و به راه‌گی‌هایی رسیدند. در هرم‌زگان یک معدن آسان نزدیک زمین پیدا کردیم. برای پیداکردن معادن کارهای تحقیقی و اکتشافی داشتیم. کارهای همه‌جانبه این‌گونه انجام می‌شد. البته همان‌موقع به ما مشکوک شده بودند و خیلی به ما مراجعه می‌شد که بعضی‌ها می‌گفتند که ۹۰ درصد یا صددرصد اورانیوم غنی‌شده می‌دهیم.

دیپلماسی

۳۷ سال تلاش برای هسته‌ای‌شدن به روایت هاشمی



عبدالله امیر جدیدی شوق

کردیم. من فکر می‌کنم ما چیزی را از دست نمی‌دهیم و اگر آنها زمانی تسلخف کنند و اجرا نکنند، ما آسان‌تر جاسوس بودند و می‌خواستند ببینند که ما دنبال چیزی هستیم یا نه. ممکن است در اینجا مأموران ما مقداری پیش می‌رفتند، اما هیچ‌وقت عملی نشد.

تفاوت گداخت و شکافت هسته‌ای

● در زمان شاه یک نمونه کوچک گداخت هسته‌ای را به صورت نمایشی آورده بودند که ما رفتم و دیدیم. یک جرقه زدند که جرقه خیلی خیره‌کننده‌ای بود. به‌گونه‌ای که حرارت سطح بالایی در کوره درست می‌کنند و از آنجا در مسیری تبدیل می‌شود. گداخت هسته‌ای را برای نمایش آورده بودند که در دستور کارهای ما قرار گرفت، دنبال پالاسما رفتم و آن را به دانشگاه آزاد دادیم. الان تقریبا به جاهای خوبی رسیده است. از طریق همان، ما را به سازمان ایت‌ر که سازمان بسیار مهم جهانی است، دعوت کردند تا عضو شویم. ۹ کشور بزرگ دنیا دارند یک نیروگاه ایت‌ر برای تولید برق به شیوه خورشیدی می‌سازند که گداخت هسته‌ای است. یعنی جوش هسته‌ای می‌شود و دیگر شکافت نیست، بی‌خطر هم هست. به زبان ساده گداخت، فرایندی است که در آن دو اتم سبک برای تشکیل یک اتم سنگین‌تر با هم ترکیب می‌شوند، برخلاف شکافت هسته‌ای که در آن یک اتم خیلی سنگین به دو تکه یا بیشتر تقسیم می‌شود. شکافت و گداخت هر دو انرژی آزاد می‌کنند... گداخت به‌طور پیوسته در سراسر کیهان رخ می‌دهد و همان فرایندی است که به وسیله آن خورشید و ستارگان انرژی آزاد می‌کنند و از هیدروژن اولیه عناصر جدیدی ایجاد می‌شود. وقتی که دیدند ما پیشرفت کردیم، از آقای قرآن‌نویس که رئیس آن است، رسما دعوت کردند که در آنجا عضو شویم. آن

مسیر ادامه دارد.

رهبری آخرین سندی را که در سعدآباد امضا شد، تأیید کردند

● بعد از دولت من غربی‌ها یک دفعه دیدند ما در بخش‌های مختلف جلو رفتم. من آن‌قدر علاقه‌مند بودم که وقتی روزهای آخر دولت من رسید با خط خودم ۲۵ میلیون دلار را برای آب‌سنگین نوشتم که آن موقع در اراک نبود و بنا بود در الموت قزوین باشد. تا آن زمان پیشرفت کندی نداشتیم، در دولت آقای خاتمی اعلام کردند ما وارد باشگاه هسته‌ای شدیم؛ یعنی آن موقعی بود که اولین نمونه آزمایشگاهی را گرفته بودیم. به نظرم اینها هم بی‌دلیل هیاهو کردند. علتش این بود که منافقین قبلا گزارش دروغی از نطنز که ما هنوز مشغول حفاری در سایت بودیم و بنا بود زیرزمین بسازیم، دادند و هیاهووی جهانی شروع شد. غربی‌ها بهانه کردند که به آژانس اعلام نشده و باید به سازمان بین‌المللی هسته‌ای می‌گفتم و شروع به هیاهو کردند.

● قبل از اینکه دولت آقای خاتمی تمام شود، مذاکرات بود و چون آقای روحانی دبیر شورای امنیت بود، نقش مذاکره‌کننده را داشت. آن موقع تهدیدها و خطر شروع شده بود و به جایی رسیده بود که ما داوطلبانه کارها را تعلیق کنیم... و تحقیقات را ادامه بدهیم. رهبری کر تأیید کردند؛ یعنی رهبری آخرین سندی را که در سعدآباد امضا شد، تأیید کردند. حتی وقتی غلبه آن هیاهو شد، دفاع کردند و گفتند کار خوبی بود که انجام شد. در همان دوران تعلیق، ما موفق شدیم کار اصفهان را تمام کنیم. ● وقتی احمدی‌نژاد آمد و گفت تعلیق را بشکنیم، آقای خاتمی گفت: من نمی‌شکنم. برای اینکه یک پرونده سنگین تهدید برای دولت بعد باقی می‌ماند و من نمی‌خواهم دولت بعد از من وارث این مشکل شود. بعدها نمی‌دانم چگونه آقای خاتمی را قانع کردند که ایشان تعلیق را باز کرد. از آن به بعد دعوها شدت گرفت و بقیه مسائل که تا الان ادعا دارد. آقای روحانی، آقای ظریف و آقای صالحی- که اواخر جزء دولت آقای احمدی‌نژاد شده بود- در این مایه‌ها نبودند.

● مذاکرات دولت آقای روحانی با روندی منطقی پیشرفت کرد. چون آقای ظریف تخصص مذاکره را از پیش داشت و تیم خوبی هم تشکیل داده بود، با منطق برخورد می‌کرد و با طرف‌های غربی و آمریکایی مذاکره می‌کردند. در این مقطع هم ما جدی بودیم و هم آنها جدی بودند. البته در داخل رقابت سیاسی روی اصل موضوع سایه انداخته بود و هر روز چیزی گفته می‌شد که بیشتر سیاست داخلی بود و هنوز هم همین است و الا که به همین جا رسیدیم، افرادی هستند که می‌گویند اگر این دولت موفق شود تحریم‌ها را بردارد و زندگی در کشور ما عادی شود، مردم به ناحق‌بودن حرف‌ها و شعارهای آنها پی می‌برند.

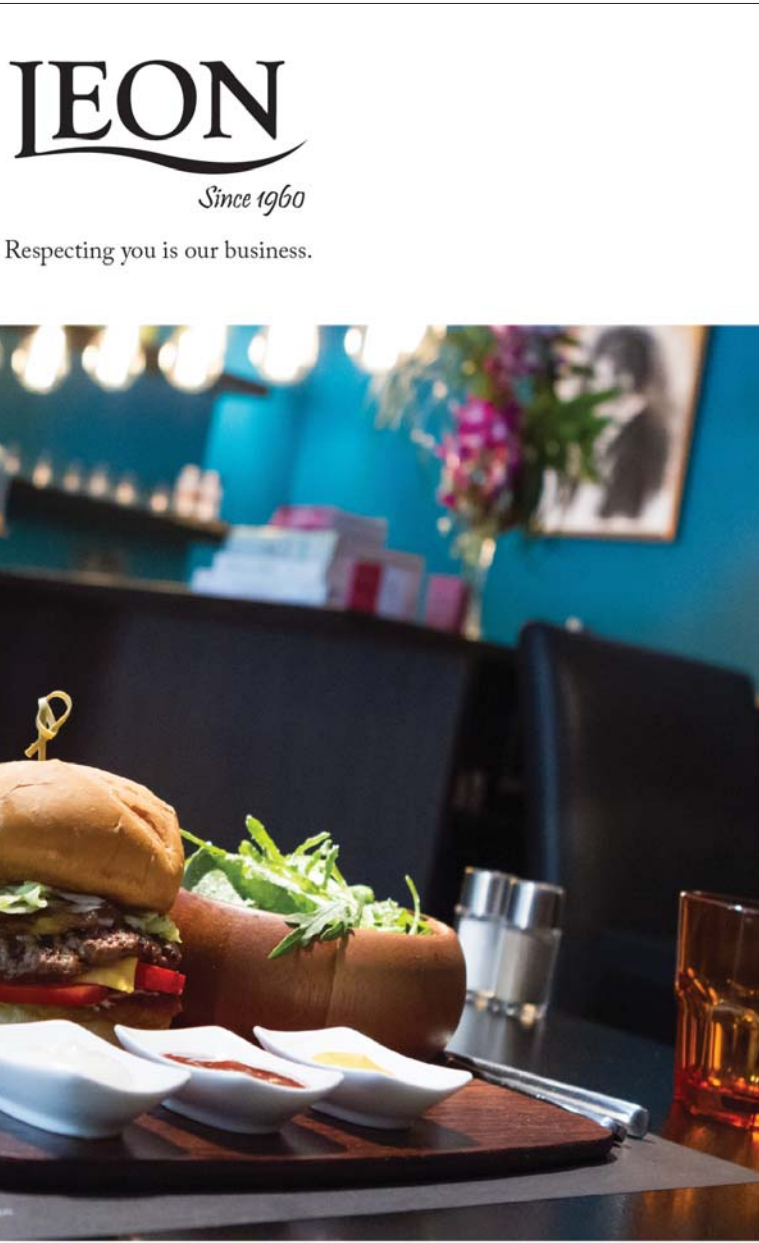
اورانیوم ۲۰درصد به درد ما نمی‌خورد

● اورانیوم‌هایی که ۲۰ درصد درست کرده بودیم، آنها به درد ما نمی‌خورد. ما می‌خواستیم آنها را برای چه‌نگه داریم؟ ما برای سوخت بوشهر نگه داشتیم بودیم. ولی به درد بوشهر نمی‌خورد. با اینها به صورت دیگری رفتار

نکفتند که لازم است مجلس ببیند. اما از لحاظ سیاسی خوب نیست مجلس برکنار باشد. اگر مجلس تأیید کند، یک پشتوانه است و قوی‌تر می‌شود. همین اتفاقی که در مجلس افتاد و ایشان هم می‌دانستند. چون قبلا آقای لاریجانی به آقای روحانی گفته بود که در مجلس رد نمی‌شود. چون اینها فراکسیون بزرگی دارند و ۱۷۰، ۱۸۰ نفر هستند و می‌دانست که رأی می‌دهند. این جای نگرانی نداشت. اما بد اخلاقی‌های برخی واقعا بد اخلاقی بود؛ یعنی دلواپس‌ها نه‌تنها در مجلس، بلکه عده‌ای از انسان‌های بی‌اطلاع را تحریک می‌کردند که حرف‌های بدی بزنند. صداوسیما به آنها میدان می‌داد که در آنجا تحلیل‌های سطحی کنند. البته تمام این کارها و مزاحمت‌هایی که می‌کردند، به ضررشان تمام شد. چون ما می‌دانیم و آنها هم می‌دانند که ۸۰ تا ۹۰ درصد مردم با این روند و توافق موافق هستند و می‌خواهند که راحت شوند و انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز را داشته باشند. مردم این را می‌خواهند. آنها خودشان را بدنام کردند. چون اینها خودشان را به گونه‌ای به رهبری منتسب می‌کنند که مثلا ما نظر ایشان را بیان می‌کنیم. ایشان خودشان زبان دارند و بیشتر از همه هم می‌توانند بگویند و می‌توانستند جلوی آن را بگیرند.... البته شیوه رهبری همین است که میدان می‌دهد تا دیگران حرف‌هایشان را بزنند. اگر با اخلاق و براساس منافع ملی رفتار می‌کردند، بد نبود.

از بد اخلاقی‌ها، بدم می‌آید

● وقتی تحریم‌ها برداشته شود، می‌فهمیم که چقدر مشکل داشتیم. هنوز کسی نمی‌خواهد ابعاد خسارت‌هایی را که دیدیم، بگوید. چون هنوز تمام نشده و موقع گفتن نیست... موقعیت ما در دنیا بد شده بود. تا همین حد هم ایرانی‌ها عزتی در دنیا پیدا کردند. البته جنگی‌ها فکر می‌کنند که عزت ما این است که تدروهای دنیا را خوششان بیاید که این کار، همیشه آسان است. یعنی هر وقتی می‌توان این کار را کرد. ● مهم‌ترین دستاوردی که از توافق داشتیم، این است که رسما به عنوان کشوری که عضو باشگاه هسته‌ای است، شناخته شدیم. بد به حال قبول نکرده بودند. اما الان قبول کردند که هستیم. قبول کردند غنی‌سازی کنیم. نیروگاه داشته باشیم و به صورت صلح‌آمیز از هرچه می‌خواهیم، استفاده کنیم. در مسئله هسته‌ای در دنیا بعضی‌ها جلوتر و بعضی‌ها عقب‌تر هستند. مثلا زاین هم مثل ماست. حدود ۴۰، ۳۰ کشور هستند که مثل ما اجازه غنی‌سازی صلح‌آمیز دارند و در عین حال حق ندارند کار نظامی بکنند و ما هم مثل آنها می‌شویم.



نگاهی نو، خلاقیتی نو، خدماتی نوین

رستوران لئون شعبه نیاوران

خیابان دکتر باهنر(نیاوران)، بعد از مژده، پلاک ۴۰۶

تلفن: ۰۰۲۲ ۷۲ ۴۴

www.leon1960.com

ادامه از صفحه ۲

روزهای آرام پساتوافق

حضور دوم در میانه راه مذاکرات

۱۶ ماه‌ه سال ۹۳ دومین بار بود که ظریف به منظور پاسخ‌دادن به سؤالات جواد کریمی‌قدوسی و ۴۰ نماینده دیگر به مجلس می‌آمد؛ قدوسی به نمایندگی از سائیرین پرسشگر اصلی بود و محور سؤالات را مذاکرات و محتوای توافق ژنو، عملکرد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و زیاده‌خواهی‌های آمریکا برشمرد. او درباره سؤالات خود از ظریف گفت: «وزیر امور خارجه باید پاسخ دهد با وجود اینکه تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای از مذاکرات دوجانبه با آمریکا منع شده بود، چرا در وین، هشت بار دیگر این موضوع تکرار شد؟». علاوه بر این قدوسی به دلیل دوران زندگی و تحصیل ظریف در آمریکا با تاخت، ازنظر این عضو جبهه پایداری موافقت‌نامه ژنو و محورهایی که در آن به امضای طرفین رسیده حقوق هسته‌ای ایران را نادیده گرفته و مقدمه‌ای است برای تهدید کل برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران در درازمدت. هر چند ظریف در این روز گفته بود محدودیت‌ها تنها در بازه زمانی مذاکرات است و به‌منظور شفاف‌سازی و اطمینان خاطر به طرف‌های مذاکره‌کننده در راستای صلح‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای ایران است اما کریمی‌قدوسی درتهایت از پاسخ وزیر قانع نشد و گفت: «قانع نشدیم، اما فرقت می‌دهیم و حمایت می‌کنیم چراکه مذاکرات هسته‌ای اجماع ملی است». درتهایت و با ۱۲۵ رأی مجلس از سخنان وزیر قانع شد.

حضور سوم پس از توافق

اما حضور روز گذشته ظریف در بهارستان، پس از تأیید اجرایی‌شدن برجام از سوی نهادهای قانونی کشور و همچنین ابلاغ دستورات مرتبط با نحوه اجرایی‌شدن از سوی رهبری، رنگ‌بویی دیگر داشت. ظریف سخن خود را با تشکر از نمایندگان مجلس به دلیل تصویب طرح اجرای برجام آغاز کرد، درباره تبعیت از فرمایشات رهبری و لزوم تلاش برای تأمین نظرات ایشان در اجرای برجام سخن گفت و درحالی‌که نمایندگان مخالف دیگر نه علیه او شعار می‌دادند و نه دست‌نوشته‌ای علیه او در دست گرفته بودند، وقتی رسایی شماره جدید ۹ دی را به او داد لبخند زد، به سؤال مطرح‌شده پاسخ داد و با پای آتل‌بسته اما لبخند‌زنان صحن مجلس را ترک کرد. تصویری که مقایسه آن با دو حضور قبلی ظریف در مجلس، تغییر فضای سیاسی و جابه‌جاشدن کانون حمله مخالفان دولت را نشان می‌دهد.